



Sayed Mostafa Sohrabi

Ph.D Student in Criminal
Law and Criminology of
Qom University, Qom,
Iran. (Corresponding
Author)
sohrabi_5263@yahoo.com

Ruhollah Akrami

Associate Professor,
Department of Law,
Faculty of Law, Qom
University, Qom, Iran.
r.akrami@qom.ac.ir

Comparative review of criminal security arrangements in Iranian and English Laws

Abstract

According to the different legal systems of Roman, German and Common Law, the criminal security orders in Iran and England are largely different, and the nature and basis of their issuance and the authorities and procedures of their issuance have differences and similarities. In general, criminal bail orders are issued with the aim of guaranteeing the presence of the accused at a specific time and place, and the variety of these orders is different according to the Bail Act 1976 and Article 217 of the Criminal Procedure Law approved on 1992/4/12 with subsequent amendments. In English law, the addition of conditions to Bail or surety is foreseen, and also the possession of surety is recognized as a right for the accused, and the issuance of any type of them is objectionable, while in Iranian law, arrest the issuance of the two aforementioned orders and the temporary arrest order can be appealed. Regarding competent authorities in issuing security orders, in Iranian law, prosecutors, assistant prosecutors, investigators, and court judges, and in English law, judges of magistrate courts and criminal and appeal courts have jurisdiction, and one of the most important differences is the delegation of authority to issue security orders to Bajilan (police) in English law is against Iranian law.

Keywords:

Criminal defense agreements, Iranian law, English law

نقد و بررسی تطبیقی قراردادی تأمین کیفری در حقوق ایران و انگلستان

چکیده

قراردادهای تأمین کیفری در حقوق ایران و انگلستان با توجه به سیستم حقوقی متفاوت رومی ژرمنی و کامن لا تا حدود زیادی متفاوت‌اند و ماهیت و مبنای صدور آنها و مقامات و مراحل اصدار آنها از وجوه افتراق و اشتراک برخوردارند. به‌طور کلی قراردادهای تأمین کیفری با هدف تضمین حضور متهم در زمان و مکان مشخصی صادر می‌گردند و تنوع این قراردادها با توجه به قانون Bail Act ۱۹۷۶ و ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲/۱۲/۴ با اصلاحات بعدی متفاوت است. در حقوق انگلستان انضمام شروطی به قرار وثیقه یا کفالت پیش‌بینی شده است و همچنین برخورداری از قرار کفالت و وثیقه به عنوان حقی برای متهم شناسایی شده و صدور هر نوع از آنها قابل اعتراض است. این در حالی است که در حقوق ایران، بازداشت ناشی از صدور دو قرار مزبور و قرار بازداشت موقت قابل اعتراض است. درخصوص مقامات صالح در اصدار قراردادهای تأمین در حقوق ایران، دادستان، دادیار، بازپرس و قاضی دادگاه و در حقوق انگلستان، قاضی دادگاه‌های مجسرتیت و دادگاه جزا و استیناف صلاحیت داشته و یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های موجود، تفویض اختیار صدور قرار تأمین به ضابطان (پلیس) در حقوق انگلستان بر خلاف حقوق ایران است.

واژگان کلیدی:

حقوق ایران، حقوق انگلستان، قراردادهای تأمین کیفری.

سید مصطفی سهرابی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی،

گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه

قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

sohrabi_5263@yahoo.com

روح‌الله اکرمی

دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق،

دانشگاه قم، قم، ایران

r.akrami@qom.ac.ir

مقدمه

قرارهای تأمین کیفری از مسائل مهم و مورد بحث در همه سیستم‌های کیفری است. چرا که به واسطه اصدار قرارهای مزبور، نظام کیفری خود را در مقابل فرار یا مخفی شدن متهم و اجرای حکم و عدالت کیفری تجهیز می‌کند. پس از انجام تحقیقات مقدماتی، نوع تأیینی که توسط مقام صالح در نظر گرفته می‌شود، بستگی به اهمیت بزه، دلایل توجه اتهام، سوابق متهم و سایر موارد مشخص شده در قوانین دارد.

ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، ده نوع قرار تأمین، تعیین نموده است. برای صدور قرار تأمین متناسب، باید معیارها و ضوابطی در نظر گرفته شود تا هم حقوق متهم تضییع نگردد و هم حقوق افراد جامعه حفظ شود. از جمله این ضوابط می‌توان به نوع جرم و اهمیت آن، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام و احتمال فرار یا مخفی شدن متهم اشاره کرد.

در حقوق ایران، مقنن قرارهای تأمین کیفری را در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، از حیث شدت رتبه‌بندی و شدیدترین نوع قرار تأمین کیفری را قرار بازداشت موقت در نظر گرفته است. اما اعمال آن را تحت شرایط و ضوابطی که در مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ همان قانون آمده، در اختیار قضات قرار داده است. در مقابل در حقوق انگلستان، مقررات مربوط به قرار بازداشت موقت به صورت دقیق بیان شده و برخورداری از قرار کفالت و وثیقه به عنوان حقی برای متهم شناسایی گردیده است و دادگاه‌ها در صورت عدول، باید دلایل خود را به صورت صریح و قانع‌کننده بیان کنند.

در رویه قضایی حاکم بر حقوق ایران، اصدار قرار وثیقه برخلاف آنچه که مدنظر مقنن بوده است، نه برای تضمین حضور متهم بلکه برای در دسترس قرار گرفتن متهم صادر می‌گردد به این معنا که مقامات قضایی با صدور قرار وثیقه و متعاقباً یا عجز متهم از تودیع آن، با هدف در دسترس بودن متهمین، آن‌ها را بازداشت می‌کند. با مطالعه تطبیقی قوانین در این خصوص نواقص و تعارض‌های موجود به دقت بررسی گردیده و در نهایت با شناسایی نقاط قوت سیستم حقوقی انگلستان، می‌توان در اصلاح قوانین، از آنها استفاده و الگوبرداری کرد.

گفتار اول: مباحث تمهیداتی قرارهای تأمین کیفری

۱- ماهیت

صدور قرار تأمین کیفری با چالش‌هایی مواجه است، چرا که از سویی حقوق متهم به عنوان شهروندی از جامعه و در طرف مقابل جامعه و دفاع از آن و حفظ حقوق مردم به صورت کلی، در تقابل یا یکدیگر قرار گرفته و در این راستا، مقنن تلاش کرده که تا حد امکان هر دو هدف را منظور دارد به نحوی که در بسیاری از نظام‌های حقوقی، به اصل برائت به عنوان اصل حیات بخش حقوق جزا در جهت حمایت از حقوق متهم اشاره شده است و با نگاهی به این اصل به تدوین مقررات خود در باب قرار تأمین پرداخته‌اند تا در آزادی متهمین یا اموال آنها، تضییعی صورت نگیرد. حتی در کشور چین نیز که به عنوان کشوری دموکراتیک شناخته نمی‌شود، در اصلاحات قانون آیین دادرسی کیفری ۱۹۹۰، ناگزیر از تصریح به اصل برائت شده است.^۱

به نظر می‌رسد هدف صدور قرار تأمین، ارتباطی مستقیم و تنگاتنگ با ماهیت تأمین دارد و این امر ضرورت توجه قرار تأمین را به عنوان قراری با ماهیت بازدارنده توجیه می‌کند، به این نحو که یکی از اهداف مهم قرارهای تأمین، تضمین حضور متهم در مواقع لزوم است و به این ترتیب جامعه از دفاع از حقوق خود توسط نهادهای قضایی، اطمینان خاطر حاصل می‌کند.

۲- مفاهیم

تأمین در لغت به معنای امین کردن، امین دانستن کسی، امنیت دادن، اطمینان دادن و در ایمنی قرار دادن آمده است^۲ که با معنای اصطلاحی آن که در واقع تضمین حضور متهم در مواقع لزوم است قرابت معنایی دارد. تأمین به معنای تضمین و اطمینان از در دسترس بودن متهم در موقعی است که او را به قید کفالت یا وثیقه آزاد می‌کنند به طوری که حقوق جامعه حفظ شود و در معرض تهدیدات ناشی از

۱- آخوندی، محمود، بازداشت موقت در سیستم قضایی جمهوری اسلامی ایران، مجله حقوقی دادگستری، سال ۱۳۷۰، شماره ۲۱، صفحه ۳۴

۲- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و دوم، جلد اول، ۱۳۸۱، صفحه ۹۵

فرار متهم قرار نگیرد.^۱ عده‌ای دیگر این‌گونه بیان داشته‌اند که قرار تأمین کیفری که یک قرار محدودکننده آزادی متهم تلقی می‌شود، وسیله‌ای برای تضمین حضور متهم در مراحل مختلف تحقیقات مقدماتی، محاکمه و اجرای حکم است تا هر وقت که وی توسط مراجع قضایی احضار شود، در مرجع مذکور حاضر گردد و در دسترس باشد.^۲

در حقوق کامن لا بعضی قرار کفالت را موافقت‌نامه و قراردادی سه‌جانبه بین متهم، ضامن و دولت تعریف کرده‌اند. شخص ضمانت‌کننده یا نماینده نهاد ضمانت‌کننده، ضامن محسوب می‌گردد. دولت به عنوان متعهدله شناخته می‌شود و ضامن آزادی مشروط او را در قبال مبلغی که متعهد نموده پرداخت کند، تعهد پرداخت آن را به عهده گرفته، تضمین می‌کند و در صورت حضور متهم از قید ضمانت آزاد می‌شود و به این ترتیب هدف از صدور تأمین حاصل می‌شود.^۳ دیگر تعریف پذیرفته‌شده در حقوق انگلستان به این شرح است: آزادی فردی که بایستی در زمان و مکان خاصی به بازداشت فرستاده شود.^۴

در قانون Bail Act مصوب ۱۹۷۶، تعریفی از قرار تأمین ارائه نشده است اما تمام موارد صدور آن به صورت کامل تنظیم گشته تا حقوق متهم حفظ شود. در رویه قضایی انگلستان به مسأله لزوم تضمین حضور متهم اشاره شده است مانند پرونده رابینسون در سال ۱۸۵۴ که قاضی کولریج تضمین حضور متهم را به عنوان مهم‌ترین نکته‌ای دانست که قضات مجسرتیت باید به آن توجه کنند.^۵

گفتار دوم: انواع قرارهای تأمین کیفری در حقوق ایران و انگلستان

همانطور که گذشت در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مقنن ده نوع قرار تأمین را حصر کرده که با توجه به ضوابط و مقررات تعیین‌شده در خصوص متهم، صرفاً اصدار یکی از ده قرار تأمین مزبور می‌تواند صادر شود و در مقابل در حقوق انگلستان مقررات مربوط به تأمین اساساً در Bail Act و اصلاحات آن آمده

۱- آشوری، محمد، تأمین کیفری و ضوابط آن، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۷۵، شماره ۳۴، صفحه ۴۵

۲- خالقی، محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۹۴، صفحه ۲۲۳

3- Hirtsch, Milton, Bail bondsmen, Bounty Hunrets and the uniform criminal extradition Act, University of California, 2007-2008 available at www.Heinonline.org

۴- هیأت پژوهشگران کاواندیش، نظام حقوقی انگلستان، برگردان مهرا، نسرین، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷، صفحه ۱۴۹

5- Bottomly, A.K., The granting of bail: principles and practice. British Journal of Criminology, vol 42, p.21

است. دادگاه در این رابطه چهار اختیار دارد: با صدور تأمین غیرمشروط او را آزاد کند، یا تأمین به صورت مشروط صادر کند، یا با صدور تأمین خواستار معرفی وثیقه معتبر با ضامن شود و یا او را بازداشت نماید. یک چهارم تا یک سوم متهمینی که برای آنها تأمین صادر می‌شود مشروط به شروطی است^۱ و در این رابطه تبصره ۶ ماده ۳ Bail Act مقرراتی را در این زمینه وضع کرده است.

۱- مهم‌ترین قرارهای تأمین کیفری در حقوق ایران

با توجه به گستردگی و تنوع قرارهای تأمین کیفری در حقوق کیفری ایران و رعایت اختصار در نوشته حاضر در ذیل به مهم‌ترین و پرکاربردترین قرارهای تأمین کیفری در حقوق ایران که دارای وجوه اشتراک و افتراق با قرارهای تأمین متناظر در حقوق انگلستان هستند، پرداخته خواهد شد.

بند اول: قرار اخذ کفیل با تعیین وجه‌الکفاله

مقنن قرار مزبور را در بند ح ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی کرده است که به موجب آن با صدور این قرار، مرجع قضایی از متهم می‌خواهد که ضمن تعهد به حضور در مرجع قضایی، شخصی را نیز به عنوان کفیل برای حاضر نمودن خود معرفی نماید. شخصی که توسط متهم به عنوان کفیل معرفی می‌شود باید علاوه بر تعهد به حاضر نمودن متهم، متعهد گردد که چنانچه موفق به این کار نشود، مبلغی را به صندوق دولت بپردازد. این مبلغ، وجه‌الکفاله نام دارد و میزان آن توسط مقام قضایی تعیین می‌گردد.

قانون‌گذار در ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری راهکاری را برای تعیین مبلغ به این شرح که «مبلغ وجه التزام، وجه‌الکفاله و وثیقه نباید در هر حال از خسارت وارد به بزه دیده کمتر باشد...»^۱ ارائه کرده است.

هرچند یکی از پرکاربردترین قرارهای تأمین در رویه قضایی، قرار اخذ کفیل است اما مقنن به موجب تبصره ۳ ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری، صدور آن را با شرط تضمین حقوق بزه‌دیده به طریق دیگر در جرائم غیرعمدی ممنوع ساخته است. این در حالی است که در جرایمی همچون قتل غیرعمدی ناشی از بی‌احتیاطی،

1- Attorney-General, Disclosure of information in criminal proceedings, 2000=www.homeoffice.gov.uk/documents.

مجازات جنبه عمومی آن حبس تعزیری درجه پنج بوده که با ممنوعیت حاضر، عملاً امکان دسترسی به متهم، به دلیل صدور قرار تأمین خفیف‌تر، دشوار خواهد بود. در مقام تفسیر قانون و در تعاقب آن رویه قضایی در رابطه با صدور قرار اخذ کفیل با چالش‌هایی مواجه است که در قالب دو پرسش مطرح و در ادامه به آنها پاسخ داده خواهد شد. ۱- با تقاضای متهم مبنی بر تعیین قرار اخذ وثیقه به جای قرار اخذ کفیل (به لحاظ سهولت در تودیع آن)، در این فرض، تبدیل قرار کفالت به وثیقه، تشدید تأمین محسوب می‌گردد یا خیر؟ ۲- آیا کفیل می‌تواند شخص حقوقی حقوق عمومی باشد یا خیر؟ در پاسخ به پرسش اول مقنن در ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری اصل موضوع را پذیرفته است که: «در صورتی که متهم بخواهد به جای معرفی کفیل، وثیقه بسپارد، بازپرس مکلف به قبول آن و تبدیل قرار است. در این صورت متهم می‌تواند در هر زمان با معرفی کفیل، آزادی وثیقه را تقاضا کند». در این فرض، تبدیل قرار کفالت به وثیقه در اجرای ماده فوق نوعی تشدید تأمین محسوب می‌شود و تشدید تأمین نیز بر طبق بند ب ماده ۲۷۰ توسط متهم قابل اعتراض است. این احتمال وجود دارد که اعتراض متهم به این باشد که بازپرس ضمن تبدیل قرار کفالت به وثیقه (که شدیدتر است) مبلغ قرار را نیز افزایش داده است! هرچند به موجب تبصره ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری کفالت اشخاص حقوقی پذیرفته شده است، اما با عنایت به اینکه وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و یا مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، به موجب ماده ۵۰ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ به این شرح: «وجود اعتبار در بودجه کل کشور به خودی خود برای اشخاص اعم از حقیقی و یا حقوقی ایجاد حق نمی‌کند و استفاده از اعتبارات باید با رعایت مقررات مربوط به خود به عمل آید»، باید برای پرداخت هرگونه وجهی به هر شخص، از قبل اعتبار آن پیش‌بینی شده و مجوز پرداخت آن نیز موجود باشد و به این ترتیب به نظر می‌رسد اشخاص حقوقی از اطلاق تبصره ماده اخیرالذکر خارج و تبصره صرفاً ناظر بر اشخاص حقوق خصوصی است.

بند دوم: قرار اخذ وثیقه

قرار وثیقه عبارت است از قراری که در ازای سپردن مال، ضمانت‌نامه بانکی، وجه نقد و ... به صندوق دادگستری صادر می‌شود تا متهم آزاد گردد و وثیقه‌گذار می‌تواند متهم یا شخص ثالث باشد. وثیقه در لغت به معنای استوار، آنچه به آن اعتماد شود و محکم‌کاری آمده است^۱ که مقنن به موجب بند خ ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری آن را یکی از قرارهای تأمین کیفری معرفی کرده است. ضابطه تعیین مبلغ آن و محدودیت اصدار آن با یک شرط در جرائم غیرعمدی همان است که برای قرار اخذ کفیل ذکر شد.

در حالی که مقنن خود وثیقه را اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی و مال منقول یا غیرمنقول معرفی کرده است اما رویه قضایی اغلب تمایلی به پذیرش مال منقول به لحاظ مشکلات اجرایی نداشته و افراد نیز از واریز مبلغ معینی وجه نقد به حساب صندوق دادگستری به عنوان وثیقه، که موجب خروج سرمایه نقدی وثیقه‌گذار از تصرفاتش برای مدتی نامعین می‌شود و نیز تسلیم ضمانت‌نامه بانکی که مستلزم پرداخت کارمزد به بانک صادرکننده آن است، امتناع می‌کنند و با این وصف در عمل بیشتر مال غیرمنقول به عنوان وثیقه معرفی می‌گردد.

بند سوم: قرار بازداشت موقت

بازداشت موقت، مهم‌ترین و شدیدترین قرار تأمین کیفری است که بیش از سایر قرارهای تأمین، از قدیم‌الایام بحث‌برانگیز بوده است. زیرا که حق آزادی اشخاص پیش از اثبات جرم آنان به مخاطره افتاده و از این رو به این قرار تأمین بیش از سایر قرارها توجه شده و مقررات متعددی در راستای حمایت از متهمین وضع گردیده است، به طوری که موضوع بازداشت پیش از محاکمه در دستور کار کنفرانس‌ها و اجلاس‌هایی قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به کنگره‌های سازمان ملل برای پیشگیری از ارتکاب جرم و رفتار با محکومان اشاره کرد که در آن به کشورهای عضو سازمان ملل توصیه شده تا از بازداشت متهمان فقط در موارد بسیار ضروری و به عنوان آخرین راه حل استفاده شود.^۲ در باب معایب و محاسن این قرار تأمین،

۱- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و دوم، جلد سوم، ۱۳۸۱، صفحه ۹۸

۲- امیرارجمند، اردشیر، (زیرنظر) مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، جلد اول، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱، صفحه ۲۰۴.

بحث‌های فراوانی شده است که از موضوع نوشتار حاضر خارج است اما قانون‌گذار در مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری موارد صدور قرار بازداشت و شرایط آن را ذکر نموده است. یکی از مهم‌ترین مباحث این نوع قرار تأمین و همچنین بازداشت ناشی از اصدار قرارهای اخذ کفیل و وثیقه است.

قانون‌گذار ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری را در این راستا وضع نموده که هر یک از آنها زودتر حادث شود، زمان آزادی متهم فرا می‌رسد، مگر آنکه به دلایلی، ادامه بازداشت متهم تا موعدی دیگر لازم باشد:

نخست: حداکثر بازداشت متهم را باید یک ماه و در جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری دو ماه دانست.

رسیدن مدت بازداشت متهم به حداقل میزان حبس پیش‌بینی‌شده در قانون برای جرم منتسب به او موعدی دیگری است که به بازداشت متهم خاتمه می‌دهد. موعدی سوم بر اساس ملاک مدت معین، تعیین شده است یعنی یک یا دو سال.

۲- قرارهای تأمین کیفری متناظر در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان از آنجایی که قرارهای تأمین به صورت درجه‌بندی احصا نشده و برخورداری از قرار کفالت حق‌انگاری شده است به این توضیح که به موجب ماده ۴ Bail Act ۱۹۷۶ مصوب ۱۹۷۶ افراد مشمول این ماده می‌بایست در غیر از موارد مقرر در پیوست یک، با قرار تأمین آزاد شوند. این ماده در مواردی اجرا می‌شود که فرد متهم در جریان دادرسی یا در ارتباط با آن در دادگاه صلح یا جزا حاضر شده یا آورده می‌شود. بنابراین چه در اولین حضور خود در دادگاه صلح و یا جزا و چه در حضورهای بعدی تا هنگامی که حکم محکومیت یا برائت صادر شود، دارای حق آزادی با قرار کفالت است.

حتی بعد از صدور حکم محکومیت و در مدت لازم برای تهیه گزارش‌های مربوط به تعیین مجازات، حق آزادی به قید ضمانت وجود دارد. در صورتی که دادگاه صلح در خلال دادرسی، تقاضای متهم برای آزادی با قرار کفالت را رد کند و متهم از دادگاه جزا یا دادگاه عالی تقاضای تجدیدنظر نسبت به این تصمیم کرده باشد، باز هم این حق وجود خواهد داشت. حق آزادی به قید قرار کفالت در موارد ذیل وجود ندارد: الف) در پاسگاه پلیس، به متهم دستگیرشده، تفهیم اتهام شده و تصمیم‌گیری برای آزادی با قرار کفالت به افسر بازداشت ارجاع شده است، یا

ب) پس از صدور حکم محکومیت در دادگاه صلح، پرونده برای تعیین مجازات به دادگاه جزا فرستاده شده است، یا
 ج) فرد محکوم شده در دادگاه صلح یا دادگاه جزا، از حکم محکومیت یا مجازات، تقاضای تجدیدنظر می‌کند.
 یقیناً در موارد فوق پلیس یا دادگاه می‌تواند فرد را با قرار کفالت آزاد کند، بنابراین قراردادهای کفالت و وثیقه به عنوان قرار سبک‌تر از قرار بازداشت موقت شناخته می‌شوند.

بند اول: قرار کفالت

همان‌طور که در مطالب پیشین اشاره شد، صدور این نوع قرار تأمین در حقوق کیفری انگلستان به عنوان حقی برای متهم پیش‌بینی شده است. در حقوق انگلستان رایج‌ترین شرط صدور قرار تأمین، معرفی یک یا چند کفیل یا ضامن است. پلیس و دادگاه هر دو می‌توانند از متهم تقاضای معرفی کفیل نمایند ولی انجام این امر تنها در صورتی مجاز است که برای حصول اطمینان از حضور متهم در زمان تعیین شده ضروری باشد.

قانون عدالت کیفری و خدمات دادگاه ۲۰۰۰ مقرر می‌دارد که دادگاه در زمان تصمیم‌گیری در مورد آزادی قید ضمانت بایستی استعمال مواد مخدر را نیز مد نظر قرار دهد. از زمان تصویب قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ در مواردی که متهم به خاطر یک جرم قابل مجازات به وسیله حبس تحت تعقیب باشد و مشخص شده باشد که معتاد به مواد مخدر طبقه الف است و به‌علاوه تقاضای درمان اعتیاد را رد کرده است این اماره علیه آزادی به قید ضمانت تلقی می‌گردد.

گروهی از متهمان تنها در صورت وجود موارد کاملاً استثنایی توجیه‌کننده قرار کفالت، با این قرار آزاد می‌شوند. این مورد در ماده ۲۵ قانون عدالت کیفری و نظم عمومی مصوب ۱۹۹۴ بر شمرده شده است. این ماده، شامل مواردی است که فرد سابقه محکومیت کیفری به قتل عمد، شروع به قتل عمد، قتل غیرعمد، شروع به تجاوز به عنف، قتل همراه با تقصیر و نظایر آن وجود ندارد، بلکه دادگاه می‌بایست قانع شود که شرایط استثنایی وجود دارد.

بند دوم: قرار وثیقه

در حقوق انگلستان متهم یا شخص ثالثی که به عنوان ضامن نقش دارد، طبق نظر دادگاه مبلغی یا مالی را به عنوان وجه‌الضمان می‌سپارد تا در صورت عدم حضور یا غیبت متهم این مبلغ ضبط شود و متهمی که در بازداشت قانونی، منتظر محاکمه یا تجدیدنظرخواهی علیه محکومیت کیفری به سر می‌برد، آزاد شود.^۱ ماده ۴ Bail Act مصوب ۱۹۷۶ حق برخورداری از قرار کفالت و وثیقه را برای متهم بر شمرده است. اگرچه مفاد این ماده در خصوص کل مراحل دادرسی اعمال نمی‌شود و حتی اگر اعمال شود، ممکن است به دلیل شرایط خاص پرونده و صدق مصادیق پیوست یک قانون درخواست صدور قرار تأمین رد شود. در پیوست یک قانون مواردی که فرد، متهم به یک جرم دارای مجازات زندان است و می‌توان درخواست قرار تأمین وی را رد کرد، آمده است.

در هر حال، حق صدور قرار تأمین برای متهم بسیار حائز اهمیت است، چرا که به موجب این حق، دادستان می‌بایست دلیل محکمی برای رد قرار تأمین اظهار نماید، نه متهم، چرا که به موجب این حق، قرار کفالت حقی است که متهم علی‌الظاهر دارد، نه لطفی که قاضی به متهم می‌کند.^۲

شروط منضم به قرار وثیقه، یکی از وجوه افتراق بین سیستم حقوقی اخیرالذکر با حقوق ایران است، به این ترتیب که استفاده از وثیقه تنها راهی نیست که حضور متهم را تضمین می‌کند و دادگاه می‌تواند شروطی را به آن ضمیمه کند. البته در صورتی که دلایلی مبنی بر فرار متهم با ارتباط شهود و یا ممانعت متهم در اجرای عدالت داشته باشند، شروطی که به طور معمول به قرار صادره منضم می‌شوند عبارتند از:

- ۱- سکونت در مکان مشخص. ۲- سکونت در خوابگاه متهمینی که مکان خاصی برای معرفی به دادگاه ندارند به شرطی که قواعد آن مکان را رعایت کند. ۳- گزارش به کلانتری معین شده در زمان و ساعات مشخصی از روز. ۴- منع عبور و مرور به این صورت که متهم در ساعات مشخصی از شب از خانه خارج نشود و رفت و آمد نکند.
- ۵- به مکان خاصی رفت و آمد نکند یا به فاصله مشخصی از مکان شهود نزدیک

1- Elizabeth, Martin, (edited) Dictionary of Law, fourth edition, oxford university press, 1988, p:40

2- Spark, John, A practical approach to criminal procedure, England, Oxford University press, tenth Edition, 2005
note 15, p:96

نشود. ۶- به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با مجنی‌علیه یا شهودی که دادستانی تعیین می‌کند تماس نداشته باشد. ۷- گذرنامه خود را به پلیس تسلیم کند. ۸- در زمانی قبل از زمان تعیین شده، در قرار همراه با وکیلش برای توضیحات حاضر شود.^۱ در انگلستان اگرچه مبلغ وثیقه تعیینی در قانون مشخص نشده است اما با توجه به رویه موجود در این کشور، قضات با توجه به جرم ارتكابی و شدت آن به تعیین مبلغ وثیقه می‌پردازند و حداقل یا حداکثری نیز پیش‌بینی نشده است و قضات با توجه به درآمد متهم مبلغی را تعیین می‌کنند و در مواردی هم آن را تقسیط می‌مایند.

بند سوم: قرار بازداشت موقت

در انگلستان به منظور از اجتناب از معایب قرار بازداشت موقت، در صورتی که قضات مجسرتیت بیم فرار متهم را با قرار کفالت بدون شرط داشته باشند، صدور قرار کفالت یا وثیقه، منضم به شروطی می‌تواند جایگزین مناسبی برای بازداشت موقت باشد و به صورت میانگین مشخص شده است که قضات صلح، تنها به تعیین یک شرط کفایت نمی‌کنند اگرچه به انواع انحصاری شروط تعیینی ملزم هستند و تحت تأثیر عوامل قانونی و غیرقانونی در انضمام نوع شروط هستند که به این صورت عیب قرار بازداشت موقت مرتفع می‌گردد و به این ترتیب هم آزادی متهم بی‌جهت سلب نمی‌شود و هم منافع جامعه حفظ می‌گردد.^۲

در انگلستان بعد از محکومیت اختصاری، ممکن است قرار بازداشت موقت برای مدت نهایتاً سه هفته صادر شود تا گزارش‌ها (به منظور تعیین مناسب‌ترین شیوه رسیدگی به متهم)، آماده شود. در تکمیل مدت بازداشت در حقوق انگلستان، باید گفت که ماده ۲۲ قانون تعقیب جرائم ۱۹۸۵، قواعدی ناظر بر محدودیت‌های زمانی بازداشت موقت به این شرح وضع کرده است:

الف) هفتاد روز از اولین حضور متهم در دادگاه صلح تا دادرسی انتقالی. ب) هفتاد روز از اولین حضور متهم در دادگاه تا محاکمه اختصاری در جرائم دو وجهی. ج) پنجاه و شش روز از اولین حضور متهم تا محاکمه به دلیل یک جرم اختصاری. د) یکصد و

1- Rain John and Wilson, Michel, Police bail with conditions: perspective on the use, misuse and consequences of a new police power, The British Journal of criminology, vol 47, 1997, pp593-607

2- Dhani, Mandeep K, conditional bail decision making in the magistrates courts, University of Victoria, Howard Journal of Criminal Justice, vol 34, pp:27-46, February 2004

دوازده روز بین ارسال پرونده برای محاکمه در دادگاه جزا و احضار به دادگاه. (ه) یکصد و هشتاد و دو روز از زمان ارسال پرونده برای محاکمه به موجب ماده ۵۱ قانون جرم و بی‌نظمی مصوب ۱۹۹۸ (جرائم قابل کیفرخواست صرف) و شروع محاکمه.

گفتار سوم: مقامات و مراجع صالح در اصدار قرارهای تأمین

بند اول: مرحله تحقیقات مقدماتی

اولین وجه افتراق در سیستم‌های حقوقی پیش‌گفته، به اختیار ضابطین در این راستا بر می‌گردد. با این توضیح که ضابطین در ایران و پلیس در انگلستان در رابطه با صدور قرار تأمین، اختیارات بسیار متفاوتی دارند به طوری که می‌توان گفت پلیس آن‌گونه که در انگلستان در ارتباط مستقیم با ارکان قضایی کشور است، در ایران به آن معنی وجود ندارد.^۱ در انگلستان ماده ۴ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ به پلیس این اختیار را می‌دهد که در محل دستگیری فرد را به قید ضمانت آزاد نماید. این موضوع به عنوان آزادی به قول شرف شناخته شده است که در ژانویه ۲۰۰۴ اجرایی شده است. در واقع فردی که در خیابان توسط پلیس متوقف شده است، می‌تواند با تعهد اخلاقی آزاد شود. هدف از تفویض چنین اختیاری به افسران پلیس، انجام تحقیقات بهتر با صدور تأمین در جایی غیر از کلانتری است. به این صورت که کاهش فشار کاری بر افسران بازداشت به متمرکز کردن فعالیت‌ها و اقدامات آنان در خیابان‌ها منجر می‌شود و در مواردی صادر می‌گردد که افسران اطمینان حاصل کنند که متهم مرتکب جرائم دیگری نمی‌شود و به صحنه جرم باز نمی‌گردد. در سیستم حقوقی ایران اختیاراتی برای دادستان و افراد مشخص شده در حوزهٔ دادرسی (دادیار و بازپرس)، شناسایی شده است تا به اصدار قرار تأمین مبادرت ورزند. برخلاف حقوق انگلستان که نهاد تحقیق در دست بازپرس است و همان مقام هم حق صدور قرارهای تأمین کیفری را دارد و دادستان نقش بازبینی در قرارهای تأمین صادره را دارد. در واقع در حقوق انگلستان، دادستان نظارت بر صدور قرار تأمین دارد اما اختیاری در این خصوص برای صدور آن توسط وی پیش‌بینی نشده است.

۱- یکرنگی، محمد، مقایسه تطبیقی اختیارات پلیس در حقوق ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵

در حقوق انگلستان، دادگاه به درخواست دادستان، می‌تواند در کل مسأله تأمین بازبینی کند و البته این درخواست باید مبتنی بر اطلاعاتی باشد که در زمان اخذ تصمیم در اختیار دادگاه یا پلیس نبوده است. در صورت ارائه چنین درخواستی، دادگاه می‌تواند شرایط موجود را تغییر دهد، شرایطی را برای نخستین بار وضع کند و یا قرار بازداشت موقت صادر نماید و البته متناظر این مهم در حقوق ایران به موجب ماده ۲۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری در نظر گرفته شده است.

بند دوم: مرحله رسیدگی

در حقوق ایران، در مرحله رسیدگی نیز قضات محاکم به موجب اختیار حاصله از ماده ۲۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری اختیار اصدار قرار تأمین را دارند اما در حقوق انگلستان بنا بر اینکه پرونده در کدام یک از دادگاه‌های صلح، جزا، عالی و استیناف مطرح شده باشد، مقررات خاصی در نظر گرفته شده است.

۱- دادگاه صلح

دادگاه صلح در اکثر موارد صلاحیت صدور قرار تأمین را دارد. دادگاه‌های صلح وظیفه تعیین وقت برای پرونده‌های مطروحه نزد آنان را دارند، بنابراین متعاقب آن وظیفه صدور تأمین هم بر عهده آنان است. به این ترتیب که اگر جرم از جمله جرائم اختصاری باشد، دادگاه صلح می‌تواند بدون صدور قرار تأمین، وقت رسیدگی تعیین کند و چنانچه جرم از جمله جرائم دو وجهی باشد و قرار تأمین در خصوص وی صادر نشده و متهم به احضاریه‌ها توجه کرده باشد، دادگاه صلح می‌تواند بدون صدور قرار تأمین رسیدگی را به تعویق اندازد. در سایر موارد (همچون جرائم قابل محاکمه با کیفرخواست صرف، جرائم دو وجهی که قابل تعقیب با کیفرخواست تشخیص داده شده‌اند و کلیه موارد تعقیب پرونده بعد از صدور حکم محکومیت برای تهیه گزارش‌ها)، دادگاه صلح موظف به صدور قرار تأمین است و می‌بایست یا متهم را با قرار تأمین آزاد نماید و یا با صدور قرار بازداشت موقت نگه دارد.^۱

دادگاه صلح دارای اختیار عام برای به تعویق انداختن صدور حکم در هر مرحله، قبل و یا همزمان با رسیدگی انتقالی یا رسیدگی اختصاری است.

1- Acer, James R And Brodey, David, Criminal procedure, A contemporary perspective 2, Jones And Bartlett publishers, united states. 2004 note 56.p:201

۲- دادگاه جزا و دادگاه عالی

در اکثر مواردی که دادگاه صلح درخواست صدور قرار تأمین را رد می‌کند، متهم حق تجدیدنظرخواهی در دادگاه جزا را دارد. برای اینکه اختلاف نظری در خصوص رسیدگی کامل به درخواست قرار تأمین وجود نداشته باشد، دادگاه صلح در صورت انجام رسیدگی کامل به درخواست صدور قرار، یک گواهی در این خصوص صادر خواهد کرد و بعد از ارسال آن به دادگاه جزا، دادگاه جزا موظف می‌شود با بررسی دقیق تمام جوانب امر، نکات مربوطه را لحاظ کند. از طرف دیگر دادگاه عالی هم به عنوان مرجع قضایی در رده بالای سیستم قضایی انگلستان، وظیفه دارد به صورت کامل پرونده را تحت نظر قرار دهد.

در صورت رد درخواست قرار کفالت توسط دادگاه صلح، دادگاه جزا در مواردی حق صدور قرار کفالت را خواهد داشت از جمله مواردی که دادگاه صلح حکم به بازداشت موقت متهم صادر کرده‌اند و قبل از اتخاذ این تصمیم، به درخواست صدور قرار کفالت به صورت کامل رسیدگی کرده‌اند و همچنین در مورد متهمی که در بازداشت موقت به سر می‌برد، برای محاکمه یا تعیین مجازات به دادگاه جزا فرستاده شده است و دادگاه صلح وی را به صورت اختصاری محکوم به مجازات حبس کرده و تا تعیین تکلیف درخواست تجدیدنظر وی در دادگاه جزا وی را بازداشت موقت کرده است.

صلاحیت دادگاه جزا در صدور قرار تأمین به شرح زیر است:

۱- دادگاه صلح قرار بازداشت موقت یک متهم را صادر کرده و همراه با آن در یک تأییدیه اعلام کرده که قبل از رد درخواست صدور قرار کفالت، رسیدگی کامل انجام داده است. ۲- پرونده متهمی که در بازداشت موقت به سر می‌برد، برای رسیدگی انتقالی یا تعیین مجازات به دادگاه جزا فرستاده شده و یا فرد از حکم محکومیت یا میزان مجازات دادگاه صلح در دادگاه جزا تجدیدنظرخواهی کرده باشد. ۳- متهم درخواست تجدیدنظرخواهی شکلی از رأی دادگاه تجدیدنظر در دادگاه استیناف کرده و یا درخواست بررسی قضایی تصمیمات دادگاه جزا را نموده است. ۴- قاضی صادرکننده حکم در دادگاه جزا تأییدیه مبنی بر قابل تجدیدنظر بودن پرونده در دادگاه استیناف صادر کرده است و اما دادگاه عالی در موارد ذیل صلاحیت صدور قرار کفالت را دارد: ۱- فرد درخواست نقض یک تصمیم دادگاه صلح را کرده باشد. ۲- فردی تقاضای تجدیدنظر شکلی از رأی دادگاه جزا کرده و یا درخواست نقض یکی از تصمیمات دادگاه جزا را کرده باشد.

شعب کیفری دادگاه استیناف نیز در دو جا صلاحیت صدور قرار کفالت را دارند: اول در مواردی که فرد نسبت به صدور حکم محکومیت یا میزان مجازات صادره از دادگاه جزا، تقاضای تجدیدنظر کرده باشد و دوم در مواردی که درخواست تجدیدنظر وی رد شده و وی تقاضای رسیدگی بخش قضایی را کرده باشد.^۱ تصمیم دادگاه استیناف برای اعطای قرار کفالت توسط یک قاضی واحد گرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری

وسیله و ابزار سنجش حقوق و آزادی‌های فردی، حقوق کیفری است و به‌طور خاص آیین دادرسی کیفری در این میان نقش عمده و بی‌بدیلی دارد. قراردادهای تأمین کیفری به لحاظ اینکه با حقوق متهمان ارتباط تنگاتنگی دارند از اهمیت ویژه والایی برخوردارند.

در حقوق کیفری انگلستان اعطای آزادی به اشخاص به قید کفالت براساس قانون ۱۹۷۶ Bail Act تدوین گردیده و در حقوق کیفری مزبور اگر bail به صورت بدون شرط صادر گردد به این معنی است که به معرفی کفیل نیازی نیست و تنها متهم ملزم است که در زمان و مکان تعیین شده حضور یابد (قرار التزام به حضور با قول شرف). آنچه در حقوق انگلستان به عنوان bail شناخته می‌شود، قرار کفالت است که خود شخص یا دیگری مبلغی را می‌سپارند تا در صورت عدم حضور متهم، ضبط شود و یا شخص کفیل تعهد می‌کند تا متهم را در زمان و مکان مشخصی نزد قاضی حاضر نماید.

مواردی که قاضی می‌تواند قرار بازداشت موقت صادر کند محدود و معین است و یکی از عمده تفاوت‌های حقوق کیفری ایران با حقوق انگلستان در این مورد نهفته است که در حقوق کیفری اخیرالذکر، اصدار قرار آزادی به قید کفالت، حقی است که برای متهم شناسایی و در نظر گرفته شده است و این حق دادگاه را موظف می‌کند تا دلایل عدم صدور قرار آزادی به قید کفالت را صریحاً ذکر کند و این در حالی است که در حقوق ایران صرفاً اصدار قرار بازداشت موقت نیازمند دلیل و ذکر جهت و مبنای استدلالی است.

مقامات صادرکننده قراردادهای تأمین نیز در دو کشور متفاوت بوده به نحوی که ضابطین در حقوق ایران، به صورت کامل و مصرح اختیار اخذ تأمین را ندارند و این

۱- مواد ۳۶ و ۱۹ قانون تجدیدنظر کیفری مصوب ۱۹۶۸

در حالی است که در انگلستان پلیس با رعایت شرایطی حق صدور قرار تأمین را دارد. بنابراین با توجه به جمیع موارد پیش گفته یکی از موارد مطلوب حقوق کیفری انگلستان که می‌تواند در بازبینی قوانین داخلی به کار گرفته شود، شناسایی اصدار قرار وثیقه و کفالت به عنوان حقی برای متهم است تا در صورت رد تقاضای مربوط به آن، دلایل آن به صورت مستدل در قرار تأمین ذکر گردد.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. امیرارجمند، اردشیر، ۱۳۸۱، (زیرنظر) مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، جلد اول، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲. آخوندی، محمود، ۱۳۷۰، بازداشت موقت در سیستم قضایی جمهوری اسلامی ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۱.
۳. آشوری، محمد، ۱۳۷۵، تأمین کیفری و ضوابط آن، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۴.
۴. خالقی، محمد، ۱۳۹۴، آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ بیست و هشتم.
۵. امید، حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ فارسی امید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و دوم، جلد اول.
۶. امید، حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ فارسی امید، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و دوم، جلد سوم.
۷. هیأت پژوهشگران کاواندیش، ۱۳۸۷، نظام حقوقی انگلستان، برگردان مهرا، نسرین، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.
۸. یکرنگی، محمد، ۱۳۸۵، مقایسه تطبیقی اختیارات پلیس در حقوق ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

منابع انگلیسی

9. Acer, James R And Brodey, David, Criminal procedure, A contemporary perspective 2, Jones And Bartlett publishers, united states. 2004
10. Attorney-General. Disclosure of information in criminal proceedings. 2000 = www.homeoffice.gov.uk/documents.
11. Bottomly, A.K, The granting of bail: principles and practice, British Journal of Criminology, vol 42. 1996
12. Dhani, Mandeep, K, conditional bail decision making in the magistrates courts, University of Victoria, Howard Journal of Criminal Justice, vol 34, 2004
13. Elizabeth, Martin, (edited) Dictionary of Law. fourth edition. oxford university press, 1988

14. Hirtsch, Milton. Bail bondsmen, Bounty Hunters and the uniform criminal extradition Act, University of California, 2007- 2008
15. Rain John and Wilson, Michel, Police bail with conditions: perspective on the use, misuse and consequences of a new police power, The British Journal of criminology, vol 47, 1997
16. Spark, John, A practical approach to criminal procedure, England, Oxford University press, tenth Edition, 2005

